

## روزنه

#### در دفاع از آلمان

##### فرید زکریا/مترجم: مرجان پیشایی

■ تعجب‌آور است که یونان، کشوری با سهم ۲/۲درصد از منطقه یورو که حتی در بین ۲۵ اقتصاد بزرگ جهان جایی ندارد، چنین آشوبی بر پا کند. همیشه یک کاستی بنیادی در طراحی منطقه یورو دیده می‌شده است، اروپایی‌ها پول واحدی به وجود آوردند بی آنکه سیاست‌های مالی‌شان را به میزان کافی هماهنگ کنند. اقتصادی رقابتی چون آلمان و غیررقابتی چون یونان با هم یکی شدند.

به نظر من در هر صورت می‌توان خوشبین بود، چرا که به رغم نظر بسیاری از منتقدان، آلمان نقش خود را به‌درستی ایفا می‌کند. بسیاری می‌گویند آلمان با طرح یک راه‌حل قاطع باید غایبه را خاتمه دهد و صدراعظم آنگلا مرکل را متهم می‌کنند از رهبری برای حل بحران دست کشیده است، موافق نیستم. آلمان دلایل درستی برای حرکت آرام و محتاط خود برای درگیر شدن در بحران یورو دارد و تلاش می‌کند کشورهایی چون یونان را واردار به اصلاحاتی موثر دست بزنند. آلمان شاید بتواند با ارایه راه‌حل نهایی برای پایان دادن به بحران یورو مثل تضمین بازپرداخت تمام دیون به وحشت مالی خاتمه دهد، ولی مساله اینجاست که پس از آن کشورهایی مانند یونان و پرتغال دیگر ضرورتی برای انجام اصلاحات اساسی احساس نخواهند کرد. آنان بودجه منظمی ندارند، اقتصادشان در هم می‌پیچد و متلاشی می‌شود و از بازار رقابت دور می‌مانند.

آنچه آلمان می‌تواند به عنوان اهرم فشار بر این کشورها از آن استفاده کند با نوشتن چکی برای پرداخت بدهی هایشان همان لحظه بر بساد می‌رود. یک‌بار دو هفته پیش آلمان این راه خطا را رفت و به جای بانک مرکزی اروپا بحران مالی ایتالیا را با سرمایه‌گذاری تعدیل کرد.وضع ثباتی یافت، پس از آن ایتالیایی‌ها در دم، فیلحه اظهارات تند و تیزشان درباره اصلاحات اقتصادی را پایین کشیدند. این کلوسی است که آلمانی‌ها به جسد می‌خواهند از آن فاصله بگیرند. قابل درک است که آلمان پیش از پرداخت بدهی‌ها یا هر ضمانتی می‌خواهد تا حد امکان کشورهای مقروض را واردار به در پیش گرفتن اصلاحاتی واقعی کند. این کار فقط دلایل اقتصادی ندارد، انگیزه‌های سیاسی هم در پشت پرده عمل می‌کنند و راهی جز این برای آنکلا مرکل نمی‌گذارد. تضمین پرداخت بدهی‌های کشوری چون یونان مالیات‌دهندگان آلمانی را به شخم می‌آورد. آنان احساس می‌کنند در دامی می‌افتند که باعث و بانی اولیه ایجاد این مشکلات بوده. به دلیل وجود همین دلایل ما عامل فاطعی از طرف آلمان نخواهیم دید.

آنچه شاهد خواهیم بود راه‌حلی پیچیده است که هم‌زمان با اعمال فشار بر یونان با کشورهای مشابه برای انجام اصلاحات به بازار اطمینان می‌دهد که آلمان اجازه نمی‌دهد یورو سقوط کند. این گزینه هر چند قابل درک و معقول است اما بازار را که خواهان یک راه‌حل سراسرت است، راضی نمی‌کند. آلمان دارد موضوع را سبک و سنگین می‌کند، موضوعی که به احتمال قوی از راهی پیچیده و درست باید حل شود. بازار باید آن را بفهمد و بپذیرد، نگرانی آن است که حتی پس از همه این اقدامات یونان نتواند از مهلکه قرض‌های سنگین و اقتصاد غیر رقابتی جان سالم به در برد. دست یونان خالی است. درباره اسپانیا و ایرلند با توجه به اقتصاد یوایی که دارند نمی‌توان چنین رای‌ی داد.

بحران‌های مالی اقتصادها را زیر ضرب گرفته‌اند و بسوال اساسی آن است که آیا می‌توان یونان را از بقیه اروپا جدا کرد؟ شاید پس از آن آلمان بازپرداخت بقیه بدهی‌ها را قبول کند. در حقیقت یونان همیشه بدبکار بوده. از زمان استقلال این کشور در دهه ۱۸۳۰ این کشور هیچ‌گاه نتوانسته بیش از نیمی از بدهی‌های خود را بپردازد. تفاوت اما امروز در این است که آلمان می‌خواهد پرداخت بدهی‌ها را تضمین کند. اروپا در کار ایجاد اقتصادی عظیم و یکپارچه است و این طرح ۲۵سال طول کشیده. طی ۲۵سال خیلی‌ها گفته‌اند سس‌رانجام کار فروپاشی است. ولی آنچه امروز می‌بینیم فاصله زیادی دارد تا فروپاشی. از بعضی جهات اروپا بزرگ‌تر، قوی‌تر و محکم‌تر شده است، بحران فعلی بزرگ‌ترین چالش‌ی است که به دلیل اشتباهات در طراحی منطقه یورو دامن اروپایی‌ها را گرفته. نمی‌توانم با اطمینان بگویم اروپا می‌تواند خود را از کمند مشکلاتش برهاند. خوشبینانه‌ترین گمان آن است که بانک مرکزی اروپا به استفاده از قدرتش که همپای فدرال رزرو ایالات متحده است بتواند راه‌حل نهایی را روی میز بگذارد. آغاز اعلام تضمین با خرید بدهی‌های مختلف از طرف بانک مرکزی اروپا وضعیت یورو را تثبیت می‌کند و تبعات سیاسی ناخوشایندی نیز ندارد. به نظر بسیاری منطقی‌تر آن است که آلمان به جای ضمانت مستقیم پرداخت بدهی ایتالیا سرمایه‌های بانک مرکزی اروپا را تقویت کند.

در مورد پایاندرو نخست‌وزیر یونان می‌توان گفت کاملاً مسوولانه عمل می‌کند. کاهشی کلان در بودجه را پذیرفته است، کاری که هیچ سیاستمدار آمریکایی تا امروز نکرده. یونان در دو نوبت این کاهش را انجام داده و نوبت سوم در دست اقدام است. ولی پایاندرو هم به سیاستمدار است و می‌داند وضعیت سیاسی‌اش نوبدیش نیست، به روشنی می‌بیند که حزب رقیب رودست می‌زند و در کمال بی‌مسئولیتی ضمانت اروپایی را پیش می‌کشد. نکته کلیدی رفتارآندوم خطاب به حزب رقیب است که می‌گوید «خب اگر با آن مخالفید مسئولیت بیرون انداختن یونان از منطقه یورو به عهده شمامست.»



کوبا در شرف حفر چاه نفت در خلیج مکزیک است و اگر بتواند آنچه می‌جوید بیابد، ثروت نفت کوبا را پیش از آنکه اوپاما کاخ سفید را ترک کند، از چنگ آمریکا بیرون کشید. این احتمال، با هجمه کنگره میامی به رهبری ایلثانا راس‌لنیتن، که خیال دارد علیه حفاری کوبا در خلیج مکزیک اعلام جرم کند، با تردید مواجه شده است. طی آزمایش‌هایی که شرکت‌های کانادایی در سال ۲۰۰۵ انجام دادند، محرز شد که در منطقه انحصاری اقتصادی کوبا (EEZ) نفت پاکیفیت وجود دارد. EEZ بخشی از خلیج مکزیک است که در سال ۱۹۹۷ طی توافق‌نامه‌ای با آمریکا، به کوبا اختصاص داده شد. سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده وجود ۴/۶ میلیارد بشکه نفت و ۹/۸ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی را در این منطقه برآورد کرده است. شرکت دولتی نفت کوبا (کوپت) می‌گوید احتمالاً ذخیره نفت و گاز چهار یا پنج برابر برآورد‌ها باشد.

کوبا که به دلیل تحریم‌ها نتوانست تجهیزات حفر چاه نفت را از آمریکا خریداری کند، با یک شرکت ایتالیایی طرف شد(که آن نیز به نوبه خود با یک شرکت چینی قرارداد داشت) و به این ترتیب یک سکوی حفاری نیمه‌مشاور با ابعاد عظیم به وجود آمد به نام سکاربائو۹. این تجهیزات توانایی حفر ۲۶۰۰ متر را دارد و انتظار می‌رفت تااستان امسال پس از اینکه کنسرسیوم تحت شرکت اسپانیایی ریسپول- YPF در یکی از ۵۹ بلوک EEZ عملیات خود را آغاز کرد، کار خود را به انجام رساند. شرکت‌های دیگری نیز مانند پترسون (مازری)، گازپروم (روسیه)، CNPC (چین)، پتروبرس (برزیل)،سانگول (آنگولا)،پتروینتام(ویتنام) و PDVSA (ونزوئلا) برای کاوش در سایر بلوک‌ها قرارداد امضا کرده‌اند. کارشناسان صنعت، منبعی عظیم از ثروت برای کوبا پیش‌بینی نمی‌کنند،ولی یافتن ذخایر نفتی حتی به میزان کمتر از برآوردها، کوبا را در بخش انرژی مستقل می‌کند و سرانجام آن را به شبکه صادرکنندگان نفت سوق می‌دهد. همچنین بر اقتصاد کوبا تأثیری عمیق می‌گذارد و تحریم‌های آمریکا را به زباله‌دان غلط‌های محاسبایی امپریالیسم می‌فرستد. برای جلوگیری از این اتفاق، تفلاهایی از طریق قانون‌گذاری مانند لایحه سالال ۲۰۰۷ که سناتور مل مارتینز آن را ارایه کرد، آغاز شد. این لایحه هم مدیران اجرایی شرکت‌های خارجی را که با کوبا همکاری کنند -با باطل کردن ویزای آنها- تنبیه می‌کند و هم سرمایه‌گذاران در صنعت نفت را جریمه نقدی می‌کند. به قول مارتینز در همان سال «حمایت از رژیم کاسترو برای توسعه نفت، ناقض سیاست‌های آمریکا و امنیت ملی ماست.» ورن بوکان،نماینده کنگره از ایالت فلوریدا، در اوایل سال‌جاری با این بهانه که حفاری کوبا در آب‌های عمیق خلیج مکزیک، برای گردشگری و محیط زیست فلوریدا تهدید به حساب می‌آید،



لایحه مشابهی ارایه کرد. او می‌گوید نشت نفت ظرف سه روز می‌تواند به ساحل فلوریدا برسد. وی همچنین دنبال این است که شرکت ریسپول را نخست با ابطال فوری مجوز حفاری در آمریکا و سپس با بیرون کردن این شرکت از کوبا با فشار آوردن بر دولت اسپانیا توسط اوپاما، تنبیه کند. پیش‌بینی شده دولت فعلی اسپانیا در انتخابات نوامبر شکست بخورد که در این صورت حوزه ماربو‌ان‌زار محافظه کار- و ضد کوبا- به قدرت خواهد رسید. بیل نلسون (سناتور فلوریدا) برای هیلاری کلینتون نوشته است «اسپانیا بعد از انتخابات، دولتی خواهد داشت که تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری در کوبا دارد، ولی تا زمان انتخابات مصرانه از شما می‌خواهم به هر طریق ممکن عملیات حفاری را به تعویق بیندازید.» همچنین نلسون پیشنهاد کرده که آمریکا به‌طور یک‌جانبه توافق‌نامه مرزی دریایی پس گیرد و به این ترتیب کوبا عملیات اکتشاف را متوقف خواهد کرد. سنابروی نلسون تنش در خلیج مکزیک را در ذهن تداعی می‌کند، شاید او به بحران نفتی و محاصره دریایی فکر می‌کند. راس‌لنیتن، نماینده کنگره، نیز به‌تازگی با استفاده از قانون حفاظت از مرجان‌های دریایی کاراییب، لایحه‌ای ارایه کرده که به لایحه بوکان بسیار شبیه است. با وجود واژه «مرجان‌های دریایی» هدف لایحه وی فلج کردن صنعت نفت کوباست، او معتقد است «آمریکا باید به شرکت‌هایی که با این رژیم فاسد و ناراست همکاری تجاری یا هر همکاری دیگری دارند، فشار بیشتری وارد کند، باید جلو این همکاری‌ها گرفته شود.» البته راس‌لنیتن در ماجرای آلودگی نفتی شرکت بی‌بی در سال گذشته، برآیند نجات صخره‌های مرجانی اینقدر فعال نبود. در آن زمان بدغنه اصلی او اختصاص غرامت گرفته‌شده‌ای بی‌بی به گردشگری و صنعت ماهیگیری بود که در جریان نشت به هر دو آسیب زیادی وارد شد. توصیه‌های او خطرات ناشی از حفاری در آب‌های عمیق را دربر نمی‌گیرد. توجیه این‌گونه لایوح این است که کوبا فاقد تکنولوژی لازم برای جلوگیری از نشت نفت در طول تاریخ را مکزیک در سال ۱۹۷۹ دربارہ شرکت‌هایی که برای ایالات متحده با همین میزان فقدان تکنولوژی کار می‌کنند هرگز به کار گرفته نشده است. شرکت ریسپول در آب‌های کوبا ناامن است ولی در ساحل لوئیزیانا امن است. ضمن اینکه این مکزیک است که تاریخ عملیات آن در خلیج، ملو از آلودگی و نشت در زمین و خشکی است. بزرگ‌ترین نشت نفت در طول تاریخ را مکزیک در سال ۱۹۷۹ رقم زد. شرکت بی‌بی برای ضایعه‌ای که ایجاد کرد غرامت پرداخت درحالی‌که مکزیک حتی همین کار را هم نکرده. مشکل آمریکا حفاری کوبا در نزدیکی فلوریدا نیست، عملیات حفاری در سراسر خلیج مکزیک با در حال انجام یا برنامه‌ریزی‌شده است. پیش از انفجار بی‌بی، ۵۷ سکو در خلیج وجود داشت و این میزان

## جهان

# کوبای نفت‌خیز؟

رابرتساندلز\*، ترجمه مریم امیری

در آینده نزدیک افزایش خواهد یافت. توقف حفاری در آب‌های عمیق پس از انفجار در بی‌بی، در ماه اکتبر لغو شد، از آن زمان وزارت کشور آمریکا ۲۷ مجوز اکتشاف صادر کرده که برخی از آنها شرکت‌هایی هستند که هم‌زمان با اکتشاف در آب‌های کوبا نیز درگیر هستند. در همین حال بی‌بی نیز درخواست از سرگیری عملیات و تأسیس سکوی جدیدی به وزارت کشور ارایه کرده که در حال بررسی است. با هجوم شرکت‌های خارجی به خلیج مکزیک، ناظران میامی به اتفاق آراء، شرکت ریسپول را برای صخره‌های مرجانی و امنیت ملی، تهدید تشخیص دادند. مساله غامض آمریکا با این تناقض آغاز می‌شود که تحریم‌ها به قصد نابودی همان دولتی ادامه می‌یابد که اکنون کمک آن برای حفاظت از خلیج مکزیک در مقابل تکرار فاجعه نفتی حیاتی است. در سال ۲۰۰۶، دولت بوش از هتلی در مکزیکوسیتی خواست، میهمانان کوبایی آن را که منتظر جلسه‌ای با مدیران نفتی آمریکا درباره سایلز زیست‌محیطی بودند، بیرون کند. اما در فاجعه بی‌بی در سال ۲۰۱۰ که پای منافع آمریکا در میان بود، مقامات کوبا دعوت شدند تا در کنفرانس حفاظت از خلیج مکزیک در فلوریدا شرکت کنند. تحریم‌ها خود علیه حفاظت از خلیج مکزیک عمل می‌کنند. برای مثال، شرکت ریسپول برای خرید دکل دست به دامن چین شده، زیرا طبق قوانین هیچ‌کس حق ندارد چیزی به کوبا بفروشد که بیش از ۱۰ درصد آن در آمریکا ساخته شده یا به ثبت رسیده است. از قضا، نزدیک‌ترین منبع حفاظت‌گر سکاربائو ۹، ایالات متحده است ولی ظاهراً آمریکا مجوز فروش خود به کوبا را انکار می‌کند.

##### علایم تردید و همکاری

پاسخ کاخ سفید به همه اینها، گونه‌ای سیاست ایهام و انفعال است. کن سالازار، وزیر کشور تنها می‌گوید دولت اوضاع را رصد و طرح کوبا را «موضوعی قابل توجه» ارزیابی کرده است. همچنین به نلسون فهمانده که خیال ندارد بر اساس لایحه او پیمان ۱۹۷۷ را نقض کند. جیمز جونز مشاور امنیت ملی آمریکا برای نلسون نوشت: اگرچه ما نگرانی‌های شما را درباره خطر توسعه حفاری نفت در ساحل کوبا در کم کنیم، ولی نقض توافق‌نامه مرزهای دریایی مطمئناً منافع ملی آمریکا را به خطر خواهد انداخت.» دیگری‌د بزرگ نلسون نیز -فشار- دولت اسپانیا برای خروج اجباری ریسپول- بی‌سروصدا نادیده گرفته شد. سالازار با نمایندگان ریسپول در کنفرانسی در مادرید ملاقات کرد. آنها به وی اطمینان دادند که این شرکت به قوانین سختگیرانه زیست‌محیطی آمریکا پایبند است و به بازرسان آمریکا اجازه نظارت خواهند داد. در مقابل سفارت آمریکا به آنها اطمینان داد که هیچ فشاری از سوی آمریکا به ریسپول وارد نخواهد شد و ایالات متحده با عملیات شرکت در کوبا مشکلی ندارد.

## نخست‌وزیر دوران بحران یونان

##### محمود فاضلی

خود در اواسط ماه دسامبر به این پول دست یابد. دولت جدید باید پیش از برگزاری انتخابات، بسته مالی کمکی ۱۳۰ میلیارد دلاری اتحادیه اروپا را از طریق پارلمان یونان تصویب کند. اتحادیه اروپا تهدید کرده است چنانچه روسای دو حزب بزرگ این کشور کتبا تعهدات خود نسبت به اجرای بسته کمک مالی این اتحادیه را امضا نکنند و تحویل ندهند، هر حله ششم از وام ۱۱۰ میلیارد یورویی به مبلغ هشت میلیارد یورو را به یونان پرداخت نخواهد کرد. در حالی که توافقات اولیه برای برگزاری انتخابات پارلمانی یونان صورت گرفته پایانیموس در اولین واکنش‌هایش اعلام داشت هنوز زمان دقیقی برای این منظور تعیین نشده است. اما گفته می‌شود وی تا ۲۶ بهمن سال جاری برای تعیین نخست‌وزیر جدید و نمایندگان پارلمان در این کشور، نخست‌وزیر خواهد بود. به‌نظر می‌رسد ادامه وضعیت‌نایسلمان سیاسی در یونان موجب نگرانی مقامات اروپایی شده است و رئیس صندوق بین‌المللی پول خواستار شفاف‌سازی در وضعیت سیاسی یونان شده است. البته گفته می‌شود پیش از توافق بر سر پایانیموس، گزینه حزب حاکم رئیس پارلمان از حزب سوسیالیست بوده که با مخالفت رهبر حزب مردم (راست افراطی) یونان روبه‌رو بوده و او در اعتراض به این پیشنهاد جلسه را ترک کرده است.

جورج پاپاندرو، نخست‌وزیر سابق یونان قبل از حرکت بسوی کاخ ریاست‌جمهوری طی پیامی از همکاری با دولت



عکس:Reuters

##### بلوک انرژی منطقه‌ای

بی‌شک دولت آمریکا به‌خوبی می‌داند نفت کوبا چیزی نیست که از طریق تحریم‌ها بتواند ناکاراش کند. کوبا بخشی از پیمان پتروکاراییب است؛ برنامه‌ای منطقه‌ای برای اکتشاف، پالایش و توزیع نفت که مورد حمایت ونزوئلا قرار دارد. پتروکاراییب برای بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کاراییب که تلاش آمریکا همواره معطوف به تأثیرگذاری، کنترل و حتی گاهی اشغال آنها بوده، فواید زیادی دارد. پتروکاراییب در سال ۲۰۰۵ آغاز شد، طرحی بود که به جای دنبال کردن سود مطلق تجاری، به‌اشتراک‌گذاری نفت در کشورهای غیرتولیدکننده را به منظور تقویت آنها دنبال می‌کرد و پایه‌ای برای استقلال سیاسی و اقتصادی این کشورها از آمریکا فراهم می‌آورد. این طرح در تقابل با معامله‌های معمول نفتی با کشورهای تولیدکننده‌نفت در آفریقا و خاورمیانه است که تاریخی از استثمار و وابستگی با خود همراه دارد. با این تفاسیر، کوبا چه صادرکننده نفت باشد چه نباشد به لحاظ جغرافیایی و عملیاتی نقشی محوری به‌عنوان تسهیل‌کننده، ذخیره‌کننده و حمل‌ونقل ایفا می‌کند. شرکت ونزوئلایی – PD SA در سرمایه‌گذاری مشترک با کوپت (شرکت ملی نفت کوبا)، در زمانی که سایر پالایشگاه‌ها در سانتاگو و مائازراس (در کوبا) ساخته می‌شد، در سینفویگوس پالایشگاه عظیمی احداث کرد. پالایشگاه مائازراس نفت خام حاصل از عملیات حفاری را پالایش خواهد کرد و با استفاده از تسهیلات نفتکش پیشرفته‌ای که در این بندر ایجاد می‌شود، محصول را بار کشتی می‌کند. بندر ماربل با سرمایه‌گذاری برزیل به‌عنوان پایگاهی برای عملیات حفاری، توسعه خواهد یافت. این سیستم یکپارچه به منظور ایجاد بلوک انرژی بدون مشارکت آمریکا طراحی شد. پیمان پتروکاراییب نیز به‌مثابه ماشین توسعه زیرساختی با سرمایه کشورهای عضو عمل می‌کند؛ نیروگاه تولید در هایتی، پالایشگاه در نیکاراگوئه و جاماییکا و انواع پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر از این دست هستند. هر کجا نفت باشد، پروژه‌هایی در زمینه‌های غیر از انرژی مورد گردشگری، خدمات درمانی، مسکن و آموزش نیز اجرا می‌شود. چندی پیش در ویکی‌لیکس اسنادی منتشر شد که از تلاش ناموفق شرکت‌های نفتی و سفارت ایالات متحده در هایتی برای جلوگیری از خرید نفت ونزوئلا و صرفه‌جویی صد میلیون دلاری در سال، حکایت داشت. واقعیت این است که اگر کشور ضعیفی مانند هایتی می‌تواند در منازعه علیه شرکت اکسون، شویرون و وزارت خارجه آمریکا پیروز شود، تلاش برای گرفتن نفت ارزان‌قیمت، در ۱۵کشور دیگر منتفع از پیمان پتروکاراییب نیز می‌تواند شکل بگیرد.

«استاد تاریخ دانشگاه کوبینیپاک (نیویورک) منبع:ماتلنی ریبو

انتقالی خبر داده بود. او در این پیام به مردم یونان قول داده بود که به‌زودی دولت انتقالی تشکیل خواهد شد و تمام توافقات لازم با حزب مردم‌کراسی نوین در این راستا به عمل آمده و وی در کنار دولت انتقالی و وحدت ملی با تمام توان برای ارایه خدمات خود خواهد ایستاد. وی در پیام خود تأکید کرده بود دولت سوسیالیست برای بهبود اقتصاد کشور تمام تلاش‌های خود را به‌کار خواهد گرفت و برای رسیدن به این هدف در کنار نخست‌وزیر و دولت جدید خواهد بود.اما حزب کمونیست یونان (حزب سبوم پارلمان) گفت‌وگوهای اخیر احزاب یونان برای معرفی نخست‌وزیر را «بدر سایه» توصیف و تأکید کرد، این ملت یونان و طبقه کارگر است که هزینه چنین شرایطی را می‌پردازد. حزب ائتلاف چپ نیز حضور نخست‌وزیر جدید را «تحریف آشکار حاکمیت مردم» دانسته و دولت جدید را فاقد مشروعیت دموکراتیک می‌داند و از مردم خواستار ادامه مبارزه تا برگزاری انتخابات پارلمانی شده‌است.موضع منفی این حزب در حالی است که تعدادی از احزاب کوچک‌تر یونان که فاقد نماینده در پارلمان این کشور هستند از انتخاب وی استقبال و اظهار امیدواری کرده‌اند که این امر موجب حل مشکلات کشور شود. در حالی که نخست‌وزیر جدید هنوز اعضای کابینه وحدت ملی را معرفی نکرده است اما گمانه‌زنی‌هایی برای خروج تعدادی از اعضای حزب سوسیالیست از کابینه و ورود چهره‌های حزب نئودموکراسی به آن آغاز شده است. در این میان رئیس حزب مردم نیز مدعی است در کابینه جدید رهبران سیاسی احزاب حضور ندارند.

منبع:سایت یونانی in.gr

## دریاچه

#### دلایل مرگ عرفات

#### همچنان در ابهام

■ ناصر قدوه، رییس شورای اداری موسسه یاسر عرفات، رییس‌جمهور فقید فلسطین به مناسبت هفتمین سالگرد وفاتش اعتراف کرد که دولت فلسطینی در مورد شناسایی علت واقعی مرگ او در روز ۱۱ نوامبر ۲۰۰۴ کوتاهی کرده است. القدوه در خلال نشستنی که به مناسبت هفتمین سالگرد مرگ عرفات برگزار شده بود، گفت: ما همچنان بر این باوریم که اسرائیل، عرفات را مسموم کرده است، در عین حال معترف هستیم که دولت فلسطینی در دست یافتن به یک پاسخ قاطع کوتاهی کرد. او افزود: ما به یک پاسخ روشن نرسیدیم. این حق ملت ما و وظیفه ما بود که جواب بگیریم، به همین خاطر باز هم تلاش خواهیم کرد تا به جواب درستی برسیم.

در همین رابطه ابتدای سال جاری میلادی بود که فهمی شبانه، افسر سازمان اطلاعات فلسطین گفت: دشمنان فلسطینی عرفات مسوول مرگ او هستند. او با نوعی سم مسموم شده بود. شبانه در ادامه اظهارات خود گفت: چند ماه بعد از این واقعه بود که سازمان اطلاعات فلسطین خودش فرمانده نظامی در غزه یعنی ژنرال موسی عرفات – کسی که خیلی به عرفات نزدیک بود – را کشت تا مساله انتقام‌کشی پیش نیاید. شبانه که در کمیته تحقیق مرگ عرفات شرکت داشت از محمود عباس خواست کار این کمیته را از سرگیریرد تا به همه مردم ثابت شود که محمود عباس هیچ چیزی را پنهان نمی‌کند.

این‌درحالی است که فاروق قدومی، دبیر کمیته عالی جنبش آزادیبخش فلسطینی (فتح)، همچنان محمود عباس، رییس‌جمهور فعلی فلسطین را به دست داشتن در مرگ عرفات متهم کرده و می‌گوید او به کمک مقامات اسرائیلی برای مرگ عرفات دسیسه‌چینی کرده است.

همچنین راوی ایثان، مسوول سابق موساد و وزیر سابق حزب بازنشتگان اسرائیل گفته بود، نمی‌توان این مساله را رد کرد که محمود عباس و محمد دحلان در مرگ عرفات دست داشته‌اند. در عین حال بسام ابوشریف، مشاور خاص عرفات درباره نتیجه تحقیقات پیرامون مرگ او اعلام کرد، عرفات به وسیله سم کشته شده است. وی در توضیح این امر گفت: نوع سم استفاده شده برای مرگ عرفات سم «تالیوم» بوده که یک نام عجیب و غیرمتداول است و به سختی می‌توان



آن را کشف کرد یا آثارش را دریافت یا در مراحل مقدماتی آن را تشخیص داد.

وی افزود، این سم خطرناک به صورت مایع است، نه رنگ دارد و نه بو یا مزه. از یک نوع گیاه دریایی کمپاب استخراج می‌شود و می‌توان بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای از رد غذا یا آب ریخت و به خورد کسی داد. همچنین می‌توان آن را به وسیله سوزن وارد رگ یا پوست انسان کرد. ابوشریف معتقد است این اطلاعات بخش اندکی از موارد مفصلی است که به محض تکمیل شدن اعلام خواهد شد. وی اعتراف کرد: اطلاعاتی که ما داریم کامل نیست. من آمادام که همه این اطلاعات را در اختیار یک کمیته تحقیق جدی و مسوول قرار دهم.

##### روزهای پایانی

وضعیت جسمانی عرفات در پایان اکتبر سال ۲۰۰۴ روزبه‌روز وخیم‌تر شد، به همین دلیل به اردن و سپس به بیمارستان پرسی در فرانسه منتقل شد. خبر رسمی مرگ عرفات در روز ۱۱ نوامبر همان سال توسط دولت خودگردان فلسطین اعلام شد و پیکر او پس از انتقال به قاهره و تسهیب به فلسطین منتقل و در شهر رام‌الله دفن شد. بیمارستان پرسی در فرانسه به دلیل رازداری پزشکی علت مرگ عرفات را اعلام نکرد و این امر را به خانواده او موکول کرد که اگر خواستند آن را اعلام کنند و اگر نخواستند همچنان به‌عنوان یک راز نزد خود نگه دارند. تاکنون درباره مرگ عرفات اظهارات متناقضی منتشر شده است. برخی معتقدند مرگ او در اثر نوعی ترور به وسیله سم یا واردکردن ماده مجهولی به جسم او امکان‌پذیر شده است. اشراف الکردی پزشک مخصوص عرفات نیز امکان مسموم شدن او را مطرح کرد. پزشکان فرانسوی پس از کالبدشکافی، سمی در بدن او پیدا نکردند. به گزارش کادر پزشکی فرانسه نتیجه این تحقیقات منفی بوده و ویرد سمی به بدن عرفات را تأیید نمی‌کند. از سوی دیگر بعضی از پزشکان از جمله پزشکان تونسی با فرانسوی‌های‌برای خونی را در مرگ عرفات دخیل می‌دانند و می‌گویند عرفات دچار نوعی بیماری شده بود که پلاکت‌های خونی‌اش را از هم تجزیه می‌کرد.

منبع:الجزیره